

## نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره پانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

### تصویر آب در رجز آینه‌داران کربلا (علمی - پژوهشی)

محمدصادق بصیری<sup>۱</sup>، معصومه یحیی‌زاده‌مقنی<sup>۲</sup>

#### چکیده

عاشورا، عرصه نمایش عبودیت، وفا، ایثار، عشق، وصال، آب، عطش، رجز، نبرد، دفاع، جوانمردی، عطف، شهادت، اسارت و همه زیبایی‌ها از یک سو و همه کینه‌ها و زشتی و پلشتی‌ها از سوی دیگر است. عرصه‌هایی که می‌توان، هر کدام از آن‌ها را به طور عمیق، مورد بررسی قرار داد.

این مقاله به موضوع رجز می‌پردازد. ابزاری که در زمان قدیم، در میدان جنگ، برای تضعیف نیروی دشمن، مورد استفاده قرار می‌گرفت. توجه به رجز، از سوی امام حسین (ع) و یارانشان، دارای جنبه‌های ارزشی زیبایی‌شناختی فراوانی است. از عناصر کلیدی رجزهای عاشورا، آب و عطش است.

چگونگی پردازش موضوع آب و عطش در رجزهای عاشورا، در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و جنبه‌های بلاغی آن از زاویه حقیقت و تصویر، توضیح داده شده است. نتیجه این مقاله نشان می‌دهد که رجزهای عاشورا تأثیر فراوانی در بیان قدرت و تقویت نیروی خودی و تضعیف قوای دشمن داشته و در انتقال پیام‌های دینی، اخلاقی، انسانی و تعلیمی نقش مهمی ایفا می‌کرده است و حماسه آفرینان کربلا با کنار هم قرار دادن حقیقت و خیال، در رجزهای خویش به خلق آثاری هنری درباره «آب و عطش»، دست یافته‌اند.

#### واژگان کلیدی

امام حسین (ع) عاشورا، آب و عطش، رجز، حقیقت و تصویر.

<sup>۱</sup> . استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

<sup>۲</sup> . دانشجوی کارشناسی ارشد گرایش ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)

masome\_yahyazadeh2013@yahoo.com

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۵/۶

## ۱- مقدمه

رجز در لغت به معنی: «اضطراب و سرعت و اشعاری که عربان در معرکه‌ها و جنگ‌ها، در مقام مفاخرت از مردانگی و شرافت قوم خود می‌خواندند.» (غیاث اللغات، ۱۳۶۳: ذیل واژه رجز) در اصطلاح عروضی «اشعاری را رجز گویند که با محتوای حماسی و با آهنگی خاص، در قالب و وزن مستفعلن سروده شده باشد.» (فؤادیان، ۱۳۸۹: ۲۰)

می‌توان هدف از خواندن رجز را در این موارد دانست: «قاعده رجز در جنگ، خواندن اشعار ارتجالی است که جنگجو، در مفاخرت و یا ستایش از قبیله خویش و یا هجو طرف مقابل و قبیله او، با وزن و آهنگ حماسی می‌خواند.» (شهیدی صالحی، ۱۳۷۹، ج ۸: ۱۷۸)

شعر رجز، گاه از خود جنگجو و گاه از شاعری دیگر بود. «بیشتر افراد هنگام رجز- خواندان در میدان مبارزه، اشعار شعرای عرب را که با حال و وضع آنان مطابق بود، می- خواندند و اگر خود جنگجو طبع شعر داشت، فی‌البدیهه در وصف و معرفی خویش، شعر می‌سرود و نام خود و پدر و قبیله و سوابق دلیری خود و قبیله‌اش را در آن بیان می‌کرد. رجز، هم برای تقویت نیرو و روحیه خود بود، هم برای ترساندن رقیب.» (محدّثی، ۱۳۹۱: ۱۹۸)

رجز در عصر جاهلی در میان اعراب، کاربرد فراوانی داشت؛ اما، کاربردش در میدان نبرد، فراوان‌تر بود. رجز، بعد از اسلام نیز از بین نرفت و متناسب با روح جامعه اسلامی تغییر کرد. (فؤادیان، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۸)

در میدان عاشورا نیز این قاعده جنگی مراعات شد و برخی از یاران امام (ع) به خواندن رجز پرداختند؛ البته، سپاهیان امام (ع) با بهره بردن از آن، اهداف والاتری را دنبال کردند. «رجزهای واقعه کربلا و روز عاشورا که به وسیله جنگجویان و خاندان عصمت و طهارت (ع) و یا اصحاب ابی‌عبدالله‌الحسین (ع) سروده شده، کاملاً با رجزهای سایر جنگ-ها تفاوت داشته است؛ زیرا رجزهای عاشورا تماماً بیان عقیده و تعبیر و تفسیر آن و هدف از

این جنگ، حمایت از دین، بشارت به قیامت و بهشت، دیدار با پیغمبر<sup>(ص)</sup> و حضرت-امیرالمومنین<sup>(ع)</sup> و خاندان وحی بوده است. (شهیدی صالحی، ۱۳۷۹، ج ۸: ۱۷۸)

موضوع دیگری که بیان مختصری از آن در این مقال، ضروری به نظر می‌رسد، «آب» است. مایعی که با حیات همراه شده است. «آب، آشنا ترین مفهوم برای تجسم زندگی است و در ذهن بسیاری از مردم جهان، از هر قوم و نژادی، اهمیت خاصی دارد. آب، رمز هر چیزی است که وجود دارد و سرچشمه همه موجودات هستی است. رمز آغازین است و همه صور موجودات، حاصل تبلورهای گوناگون آن است.» (قبادیان، ۱۳۹۱: ۶)

از موارد قابل توجه، به این مایع حیات، نگاه ویژه قرآن است: «این واژه که عربی آن «ماء» است. ۶۳ بار در قرآن کریم ذکر شده و در این کتاب آسمانی، عنایتی شگفت بدان مبذول گشته است: گاه آن را سرآغاز آفرینش جهان ماده خوانده ... گاه مبدأ نشو و مایه هر زنده‌اش توصیف نموده، در موارد عدیده، آن را به عنوان نعمتی بزرگ که زیست بشر، بدان بستگی دارد، یادآور شده، در جای دیگر آن را وسیله نظافت و طهارت خاطر نشان ساخته» (حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۱ و ۲)

در بین شیعیان، اهمیت این واژه به دو علت زیر بیشتر شده است:

۱. مهریه حضرت زهرا<sup>(س)</sup>: «در باور تشیع، مهریه حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> نیز آب بوده که خود نشان دهنده وجود پیوندی فرازمینی، میان آب و انسان در اندیشه و ذهن شیعیان است.»

۲. نقش آن در واقعه عاشورا: با رواج تشیع و عمومیت یافتن مراسم آیینی همچون عزاداری و روضه خوانی و قداست واقعه تاریخی کربلاء، [و] تکیه خاصی که در نقل واقعه کربلا بر موضوع ممانعت از رسیدن آب به خاندان امامت می‌شود؛ همچنین ماجرای شهادت حضرت ابوالفضل العباس<sup>(ع)</sup> که در راه رساندن آب به تشنگان جان خود را از دست می‌دهد، سبب شد که آب، نزد شیعیان بار دیگر و این بار به دلیلی متفاوت اهمیت بسیار ویژه‌ای یابد؛ در واقع، پس از حادثه کربلا علاوه بر اهمیت اسطوره‌ای آب به عنوان

ماده‌حیات، جنبهٔ قدسی و حرمت دینی آب نیز به شکلی دیگر تقویت شده، باعث به وجود آمدن باورهای تازه‌ای میان شیعیان گردید.» (قبادیان، ۱۳۹۱: ۸)

مسئله‌ای که مورد سؤال قرار می‌گیرد این است که آیا آب در سرزمین کربلا وجود داشته که سپاهیان ابن زیاد آن را به روی امام (ع) و یارانش ببندند و ملامت سپاهیان ابن زیاد از سوی سپاه امام (ع) امری منطقی است؟ در پاسخ باید گفت: «این که گفته می‌شود: کربلا سرزمین بدون علف و بیابانی بوده، معنایش این است که در سال ۶۱ در آن جا کسی زندگی نمی‌کرده و این سرزمین، خالی از سکنه بوده‌است، نه این که در آن سرزمین آب وجود نداشته‌است؛ پس، معنای عدم وجود آب در کربلا آن است که آب را به روی اهل بیت و یاران امام (ع) بستند و تهیهٔ آب برای امام (ع) مشکل شد. نکتهٔ مهمی که تأکید بر آن بیش از پیش، ضروری می‌نماید، این که در مرکز آب و در اوج فراوانی و کثرت غیرقابل انکار آن، عطش و تشنگی را بر حسین (ع) و یاران او تحمیل می‌کنند که یکی از جنبه‌های برجستهٔ تراژدی بزرگ عاشورا، از همین امر ناشی می‌شود. این که منطقه، خشک و لم‌یزرع باشد، قحطی آب چه بسا قابل توجه باشد و دریغ آن از نیروهای مخالف، قابل توجه‌تر؛ اما آبی که نه تنها در پیرامون زندگی؛ بلکه در ریشه و ناخودآگاه آدمی نیز رمز بقا و جاوید است، در اینجا و در دشت کربلا با وجود حضور ملموس و محسوس خود از سوی گروهی قبضه می‌شود و از همین طریق، پایان زندگی حسین (ع) و یارانش را رقم می‌زند.» (همان: ۱۰)

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌است، چگونگی بهره‌بردن از واژهٔ «آب و مشتقاتش» از زاویهٔ حقیقت و تصویر در رجزهای حماسه‌آفرینان کربلاست. دربارهٔ حقیقت چنین نوشته‌اند: «واژه‌ای است که در معنایی که در اصطلاح تخاطب (گفت و شنود) برای آن وضع شده به کار رود و وضع واژه، مشخص کردن واژه است برای این که به تنهایی و بدون قرینه بر معنایی دلالت کند.» (طیبیان، ۱۳۸۸: ۳۴۷)؛ اما در تعریف تصویر در اصطلاح ادبی، چنین آمده‌است: «(اصطلاح ادبی) ایماژ. آرایه‌های کلامی هم‌چون تشبیه، استعاره، مجاز و جز آن.» (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱: ذیل تصویر)

در این مقاله، یکی از جنبه‌های برجسته واقعه عاشورا، یعنی: «آب و عطش»، از زبان (رجز) عاشوراییان، بررسی و میزان کاربرد این موضوعات، از زاویه حقیقت و تصویر، مورد کنکاش قرار می‌گیرد. این پژوهش، به شیوه کتابخانه‌ای به تحلیل و بررسی رجزهای شهدای کربلا، پیرامون «آب و عطش» پرداخته‌است.

### ۱-۱- سوالات تحقیق

۱. باتوجه به ملازمت همیشگی آب و عطش در واقعه عاشورا، حماسه‌آفرینان کربلا، چه دیدی نسبت به آن داشته‌اند؟
۲. بسامد عنصر آب و عطش، از نظر حقیقت و تصویر در رجز عاشوراییان در چه جایگاهی است؟
۳. آیا عنصر آب و عدم وجود آن، باعث عدول از هدف اصلی رجز، تقویت روحیه خود و تضعیف نیروی دشمن شده‌است و یا برعکس به تقویت آن کمک کرده‌است؟
۴. مسئله «آب» در واقعه عاشورا، برای آنان که در رجز خویش از این واژه، بهره برده‌اند به چه نحوی است؟

### ۲-۱- پیشینه تحقیق

به دلیل عظمت و عمق و وسعت حادثه عاشورا پژوهش‌های فراوانی در این زمینه انجام شده‌است.

در زمینه رجزهای شهیدان کربلا می‌توان به مقاتل اشاره کرد که در آنها ضمن بررسی شخصیت‌ها و ذکر وقایع عاشورا به برخی از رجزهای عاشوراییان اشاره شده‌است. از جمله: ۱. جلد اول منتهی الآمال از مرحوم حاج شیخ عباس قمی<sup>(ره)</sup> ۲. مَقْتَلُ الْحُسَيْنِ (ع) وَ مَصْرَعُ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَصْحَابِهِ الْمُشْتَهَرِ بِه مَقْتَلِ ابْنِ مَخْنَفِ.

کتبی نیز به صورت اختصاصی به رجزهای شهیدان کربلا پرداخته‌اند از جمله:

۱. مردان و رجزهایشان از سیدمهدی شجاعی ۲. رجزهای شهدای کربلا از محمدحسین فؤادیان ۳. رجزهای یورشی در کلام حماسه آفرینان کربلا از دکتر محمدرضا رحمدل. در این نمونه کتب، به بررسی شخصیت این افراد و رجز آن‌ها پرداخته شده است؛ اما، در مورد موضوع «آب و عطش در رجزهای عاشوراییان» پژوهش مستقلی یافت نشد؛ لذا، این مقاله، به بررسی، رجزهای شهدای کربلا، در ارتباط با «آب و مشتقاتش» پرداخته است.

### ۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

رجز شهدای کربلا سند نمایی از آن واقعه عظیم است، سندی که به راحتی می‌توان به آن اعتماد کرد و با استفاده از آن، به نتیجه‌ای متقن و استوار دست یافت. «یکی از منابع و سرچشمه‌های شناخت عاشورا و حماسه حسینی، کلام، پیام و رجزهای حماسه-آفرینان است. شوربختانه، رجزهای عاشورائی و پیام حیات آفرین و انسان‌ساز مندرج در این رجزها، هنوز آن‌چنان که باید و شاید در ذهن و دل محبان اهل بیت<sup>(ع)</sup> رسوخ نکرده و بسیاری از شیعیان و شیفتگان حسینی، معرفتشان از عاشورا و کربلا و حماسه‌سازان حسینی معرفتی جامع نبوده و با روح فلسفه عاشورا انطباق چندانی ندارد.» (رحمدل، ۱۳۷۵: مقدمه)؛ بنابراین، هر گونه پژوهشی در این زمینه، ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله به تحلیل گوشه‌ای از رجزهای آنان، با موضوع «آب و عطش» می‌پردازیم.

### ۲- بحث

#### ۲-۱- حربن یزید ریاحی

حرب، کسی است که سرنوشتش یاری با حسین<sup>(ع)</sup> را رقم می‌زند. «حربن یزید ریاحی، یکی از بزرگان قبیله بنی تمیم بوده است. سرنوشت او در میان یاران امام حسین<sup>(ع)</sup> استثنایی و بسیار آموزنده است. حرب، تنها کسی است که در روز عاشورا، فاصله میان دوزخ و بهشت را طی ساعاتی کوتاه درنوردید و خود را از حضيض شقاوت به قلعه سعادت رساند. از این

رو، سرنوشت حرّ، دلیل روشنی بر آزادی انسان در انتخاب راه صحیح در زندگی است. حرّ، نخستین کسی بود که راه را بر امام حسین<sup>(ع)</sup> و یارانش بست و انتخاب وی به فرماندهی سپاهی که نخستین برخورد را با امام<sup>(ع)</sup> داشت، حاکی از اعتماد کامل حکومت اُموی به اوست.» (محمّدی‌ری شهری، ۱۳۹۰، ج ۶: ۲۵۳)

نخستین برخورد او با امام<sup>(ع)</sup> از عطش و تشنگی حرّ و وجود آب در نزد امام<sup>(ع)</sup> پرده برداشت. در مقاتل در این باره چنین نوشته‌اند: در منزل ذوحسم سپاه وی در حالی با سپاه امام<sup>(ع)</sup> برخورد می‌کند که امام<sup>(ع)</sup> با یارانش برای نبرد با لشکریان وی آماده‌بودند؛ اما با مشاهده عطش حرّ و سپاهیان، امام<sup>(ع)</sup> با امر به نشانیدن آب به او و سپاهیان و اسبانش از او استقبال می‌کند. (مفید، بی‌تا: ۷۸) این عمل امام<sup>(ع)</sup> حاکی از ذات و بخشش‌خاندان نبوی و علوی دارد. (موسوی مقررّم، ۱۳۸۱: ۱۰۲)

حرّ بن یزید ریاحی بعد از آن که فهمید، جنگ با امام حسین<sup>(ع)</sup> و یارانش جدّی است، به قره‌بن قیس که همراهش بود، مطلبی را عنوان کرد که از وجود آب در میان سپاهیان دشمن حکایت داشت و خود را به سپاهیان امام<sup>(ع)</sup> رسانید. (شیخ مفید، بی‌تا، ج ۲: ۱۰۲ و ۱۰۳)

حرّ در میدان نبرد، این‌گونه رجز می‌خواند:

«سَقَى اللهُ أَرْوَاحَ الَّذِينَ تَبَادَرُوا      إِلَيَّ نَصْرِهِ سَحَابًا مِنَ الْغَيْثِ دَائِمَةً»  
(ابومخنف، ۱۴۰۴هـ: ۱۲۱)

معنی: - خداوند ارواح کسانی را که به یاری او شتابیدند، از آبی پی‌درپی و زیاد از باران دائمی سیراب کند.

بارزترین نکته‌ای که در رجز حرّ نمایان است، باران دائمی است که فؤادیان، مقصود از آن را آب‌حیات می‌داند. (فؤادیان، ۱۳۸۹: ۷۳) «آب چشمه‌ای است اساطیری. این چشمه در محلّ ظلمانی واقع است. به همین دلیل بین آب‌حیات و چشمه آن، با تاریکی و سیاهی مراعات‌النظیر است ... آب‌حیات، آب زندگی‌بخش است.» (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۲۳)

حرّ، در این بیت، تصویری زیبا را پی می‌گیرد. تصویری که در آن از اسطوره آب‌حیات و جاودانگی بهره می‌برد. او برای یاری‌دهندگان حسین (ع) از خدا، تقاضای آبی جاودانه- دارد؛ البتّه، می‌تواند منظور از آب و باران دائمی، چشمه کوثر، حقیقتی از عالم دیگر باشد؛ بنابراین، در این بیت، حرّ در معنای کنایی، از آب‌حیات سخن می‌گوید.

## ۲-۲- حجّاج بن مسروق

در شرح احوال وی آورده‌اند: «حجّاج بن مسروق جعفی که برخی از منابع، وی را حجّاج بن مسرور نامیده‌اند، یکی دیگر از یاران با وفای سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> که در روز عاشورا به شرف شهادت نائل آمد. وی، همان کسی است که امام حسین<sup>(ع)</sup> او را نزد عییدالله بن حرّ جعفی فرستاد تا از او بخواهد که به یاری امام<sup>(ع)</sup> بیاید و در جریان برخورد سپاه حرّ بن یزید با امام<sup>(ع)</sup> به دستور امام<sup>(ع)</sup> اذان ظهر گفت و منابع، او را مؤذّن حسین<sup>(ع)</sup> معرفی کرده- اند.» (محمّدی‌ری‌شهری، ۱۳۹۰، ج ۶: ۲۴۹)

تحلیل رجز حجّاج، نشان می‌دهد که وی از دو نوشیدنی گوارا در جهانی دیگر به شرح ذیل، سخن گفته‌است:

۱- از میان نعیم بهشت به نوشیدنی‌های گوارایی که خداوند در قرآن بدان اشاره فرموده‌اند. از جمله: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى» (سوره محمد/ آیه ۱۵)

معنی: توصیف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده، چنین است: در آن نهرهایی از آب صاف و خالص و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته و نهرهایی از شراب (طهور) که مایه لذت نوشندگان است و نهرهایی از عسل مصفاست.

۲- به حوض کوثر که در وصف آن و آبش، چنین آمده‌است: «گویند: «هنگامی که سوره کوثر، بر رسول الله<sup>(ص)</sup> نازل شد، علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup> به ایشان گفت: «یا رسول الله<sup>(ص)</sup>! کوثر چیست؟» فرمود: «نهری است که خداوند با اعطای آن مرا گرمی داشته.» علی<sup>(ع)</sup> گفت: «این نهر شریف را برای ما، توصیف فرما؟» فرمود: «آری، یا علی! کوثر، نهری است



که زیر عرش الهی جاری است، آبش سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل، نوشین‌تر از سرشیر (کره) است، ریگ‌هایش، زبرجد و یاقوت و مرجان؛ گیاهش، زعفران؛ خاکش، مشک‌بوی است و سرچشمه‌اش، از زیر عرشِ خداوند عزوجل است.» (بوترابی، ۱۳۸۱، ج ۹: ۱۹)

درباره ساقی این حوض نیز چنین آمده است: «منابع روایی و تفسیری شیعه، همه اتفاق نظر دارند که ساقی کوثر حضرت امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> است و روایاتی در این زمینه نقل شده است.» (همان: ۱۹)؛ بنابراین، حجّاج بن مسروق با ترکیب این دو موضوع، به رجز-خوانی پرداخته است:

«لُتُبَشِّرُوا يَا عِتْرَةَ النَّبِيِّ! بِجَنَّةِ شَرَابِهَا الْمَرِيَّ وَالْحَوْضِ حَوْضِ الْمُرْتَضَى عَلِيٍّ»  
(فؤادیان، ۱۳۸۹: ۱۰۷)

معنی: «ای عترت پیامبر (ص)! شما را بشارت می‌دهند به بهشتی که نوشیدنی‌هایش، پاک و گوارا است و حوضی که علی مرتضی (ع) ساقی آن است.» (همان: ۱۰۸)

حجّاج با پرداختن به نعیم بهشت و حوض کوثر، در واقع به تقویت نیروی سپاهیان خود و تضعیف نیروی دشمن، کمک می‌کند. (فؤادیان، ۱۳۸۹: ۲۴۸)

رجز وی از ترکیب حقیقت و تصویر، بدین شرح، حکایت می‌کند: «شَرَابِهَا الْمَرِيَّ» به معنی نوشیدنی‌های پاک و گوارا که حقیقت است و «الحوض»، مجاز است؛ زیرا کل را بیان کرده و با آوردن قرینه‌ای، جزء را که حوض کوثر است، اراده نموده است.

## ۲-۳- حضرت قاسم بن الحسن<sup>(ع)</sup>

در شرح احوال وی، چنین آمده است. «نوجوان شهید عاشورا، در رکاب سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> فرزندگرامی امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup> وی صاحب همان سخن معروف «أَحْلَى مِنْ الْعَسَلِ» در شب عاشورا است که مرگ را شیرین‌تر از عسل می‌دانست. روز عاشورا سنّ او هنوز به بلوغ نرسیده بود.» (محدّثی، ۱۳۹۱: ۳۷۸)

او در رجزش به نفرین منع کنندگان آب می‌پردازد. «قاسم فقر و خشکسالی و فلج اقتصادی، مردم کوفه را از خدا خواستار شد. چرا چنین نخواهد، در حالی که دشمن، آب فرات را از اولیای خدا بازداشته‌است، آری به حق سزاوار چنین نفرینی<sup>۳</sup> هستند.» (فوادیان، ۱۳۸۹: ۱۶۲)

رجز حضرت قاسم<sup>(ع)</sup> «در معرفی خود و مظلومیت حسین<sup>(ع)</sup> بود.» (محدثی، ۱۳۹۱:

۳۷۹) او چنین می‌خواند:

«إِنْ تَنْكِرُونِي فَأَنَا بِنُ الْحَسَنِ      سِبْطِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَ الْمُؤْتَمِنِ

هَذَا الْحُسَيْنِ كَالْأَسِيرِ الْمُرْتَهَنِ      بَيْنَ أَنْاسٍ لَأَسْقُوا صَوْبَ الْمَزْنِ

معنی: - اگر مرا نمی‌شناسید، من پسر حسن هستم که او سبط پیامبر (ص) برگزیده و امین است.

- این حسین<sup>(ع)</sup> است که نظیر شخصی اسیر در بین این مردم می‌باشد. خدا کند این

مردم، از باران رحمت خدا سیراب نشوند.<sup>۴</sup> (مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۵۴)

در واقع، حضرت قاسم بن حسن<sup>(ع)</sup> در این رجز ضمن بیان مظلومیت عمویش، حقیقتی را که خداوند در قرآن کریم بدان اشاره فرموده‌است، بیان می‌کند: آبی که شما می‌نوشید، به خواست و اراده الهی است و خداست که آب را به اندازه مشخص نازل می‌کند. موضوعی که خداوند در آیه ۱۸ سوره مؤمنون به بیان آن می‌پردازد: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهَ لَقَادِرُونَ» معنی: «و از آسمان، آبی به اندازه معین فرو فرستادیم و آن را در زمین (در جایگاه مخصوصی) ساکن نمودیم و ما بر از بین بردن آن کاملاً قادریم.»

همان‌طور که در قسمت ۲-۲ بیان شد، هدف شهادی کربلا از خواندن رجز در میدان

نبرد، هدفی والا و مقدس بوده‌است.

در تحلیل رجز قاسم<sup>(ع)</sup> از لحاظ حقیقت و تصویر، باید بیان داشت که رجز وی

از تصویر حکایت دارد. بدین صورت: «لَأَسْقُوا» به معنی «نوشاند» در معنای مجازی از نوع

ذکر سبب و اراده مسبب، یعنی: خداوند متعال. «صَوَّبَ الْمَزْنَ» در معنای مجازی، آب زندگی بخش، با علاقه مایکون، به کار رفته است.

#### ۴-۲- حضرت ابوبکر بن حسن<sup>(ع)</sup>

یکی دیگر از شهدای کربلا که حماسه‌ای جاویدان به یادگار گذارد، فرزند دیگر امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup> است. در شرح احوال وی چنین نوشته‌اند: وی را «عبدالله، عبدالله اکبر و احمد نیز نامیده‌اند. مادرش امّ ولد (کنیز) و نام وی را نُفیله، امّ اسحاق و نیز رمله گفته‌اند.» (سنگری، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۱۳۵)

رجز حضرت ابوبکر بن حسن<sup>(ع)</sup> حالات قبل از رجزش را در خود منعکس کرده است. در منابع، چنین آمده است: «پس از نبرد سنگین، به حضور عمویش رسید و آب طلبید و امام<sup>(ع)</sup> او را به صبوری و جهاد خواند.» (همان: ۱۱۳۵) در مقاتل، درباره این داستان چنین آمده است: «فَحَمَلَ عَلَى الْقَوْمِ وَلَمْ يَزَلْ يُقَاتِلُ وَرَجَعَ إِلَى الْحُسَيْنِ<sup>(ع)</sup> وَقَدْ غَارَتْ عَيْنَاهُ مِنْ شِدَّةِ الْعَطَشِ فَنَادَى: «يَا عَمَّاهُ! هَلْ مِنْ شَرْبَةٍ مَاءٍ أُبْرِدُ بِهَا كَبِدِي وَآتَقْوِي بِهَا عَلَيَّ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ؟» فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ<sup>(ع)</sup>: «يَا بَنَ أَخِي اصْبِرْ قَلِيلًا حَتَّى تَلْقَى جَدَّكَ رَسُولَ اللَّهِ<sup>(ص)</sup> فَيَسْقِيكَ شَرْبَةً مِنَ الْمَاءِ لَا تَطْمَأُ بَعْدَهَا أَبَدًا.» (ابومخنف، ۱۴۰۴هـ: ۱۲۶) معنی: پس بر لشکر حمله کرد و پیوسته می‌جنگید و درحالی که چشم‌هایش از شدت تشنگی تیره و تار شده بود، به نزد عمویش برگشت؛ پس ندا داد: «ای عمو! آیا جرعه‌ای آب [وجود دارد] تا به آن قلبم را سرد کنم و به وسیله آن بر دشمنان خدا و رسولش<sup>(ص)</sup> قوی شوم؟»؛ پس، حسین<sup>(ع)</sup> به او فرمود: «ای پسر برادرم! اندکی صبر کن تا این که جدت رسول خدا<sup>(ص)</sup> را ملاقات کنی؛ پس، تو را از نوشیدنی آب، سیراب کند که پس از آن هرگز تشنه نمی‌شوی<sup>۵</sup>؛ بنابراین، حضرت ابوبکر بن حسن<sup>(ع)</sup> رجزش را چنین می‌خواند:

«اصْبِرْ قَلِيلًا فَالْمُنَى بَعْدَ الْعَطَشِ      فَإِنَّ رُوحِي فِي الْجِهَادِ تَنْكَمِشُ»

(ابومخنف، ۱۴۰۴هـ: ۱۲۶)

معنی: «- کمی صبر کن. بعد از عطش، به آرزویت خواهی رسید. جانم در این رزمگاه، به سوی بهشت می‌شتابد.» (سنگری، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۱۴۸)

او در رجزش با به کار بردن عبارت «فَالْمُنَى بَعْدَ الْعَطَشِ»، به تقویت روحیه سپاهیان و هدف از خواندن رجز می‌پردازد. (فؤادیان، ۱۳۸۹: ۲۳۴ و ۲۳۵)

حضرت ابوبکر بن حسن (ع) تشنگی را در معنای حقیقی به کار برده است.

## ۲-۵- حضرت عباس بن علی (ع)

از افرادی که در جریان حادثه کربلا با آب رابطه‌ای مستقیم برقرار کرد، حضرت ابوالفضل العباس (ع) است. «در کربلا، آب‌رسانی به خیمه‌ها و حرم سیدالشهداء (ع) برعهده حضرت ابوالفضل (ع) بود و او را لقب «سقای دشت کربلا» داده‌اند.» (محدثی، ۱۳۹۱: ۲۴۵)

قبل از توضیح سقایی حضرت ابوالفضل (ع) بیان این مطلب که قبادیان به نقل از بحار الانوار می‌نویسد، ضروری است: «از روز هفتم ماه محرم تا بعد از ظهر عاشورا، امام حسین (ع) و یارانش با مشکل آب مواجه شدند. منابع و مآخذ تاریخی و روایی به روشنی اثبات می‌کند که نیروهای عمر بن سعد مأموریت یافتند که حسین بن علی (ع) و یارانش را در مضیقه، قرار بدهند و مانع آوردن آب به خیمه‌ها بشوند و برای این کار نیروهایی را در اطراف فرات، مستقر کردند تا اصحاب امام حسین (ع) نتوانند از فرات آب بیاورند. در غیر روز عاشورا امام (ع) و یارانش، به سختی آب تهیه می‌کردند؛ ولی، روز عاشورا مشکل آب، بسیار جدی شد.» (قبادیان، ۱۳۹۱: ۱۰)

قبادیان در ادامه چنین نتیجه می‌گیرد: «پس، به طور خلاصه: باید در اولین گام شناخت نقش آب در کربلا، این‌گونه نتیجه گرفت که آب به عنوان عامل حیاتی و زندگی‌بخش در اطراف این حادثه و در قالب رود فرات وجود داشته؛ اما با ممانعت سپاهیان دشمن، به دست لشکریان حضرت امام حسین (ع) نمی‌رسیده - است...؛ بنابراین، آب در کربلا هم حضور قابل لمس دارد و هم برای به دست آوردن آن تلاش می‌شود؛ گاهی به دست می‌آید و گاهی دسترسی بدان ناممکن می‌شود.» (همان: ۱۰)

با توجه به آنچه بیان شد، یکی از مأموریت‌های برخی اصحاب در کربلا تهیه آب بود. این مأموریت، در چند مرحله نصیب حضرت ابوالفضل (ع) گردید. از جمله؛ طبری از سقایی حضرت ابوالفضل (ع) به همراهی نافع بن هلال و تعدادی از افراد سپاه در شبانگاه که برای تهیه آب فرستاده شدند و توانستند با موفقیت آب را به سپاهیان امام (ع) برسانند، سخن می‌گوید. (طبری، ۱۳۶۲: ۳۰۰۶) با توجه به آنچه بیان شده برخی بر این عقیده‌اند که یکی از دلایل انتساب سقایی به حضرت ابوالفضل (ع)، سقایی وی در کربلاست. مقاتل نوشته است: «پس از بستن آب بر سپاه امام (ع) همه تلاش‌ها برای آوردن آب ناکام نمانده‌است و یکی از دلایل اشتهار قمرینی هاشم به «سقا» نیز همین است.» (شجاعی، ۱۳۸۷: ۷۱)

برخی انتساب حضرت (ع) به این لفظ را سقایی، در طول حیات وی می‌دانند. «او نه تنها در روز عاشورا؛ بلکه قبل از آن نیز، اهتمام فرموده در این سنت و این عمل خیر [آب دادن و سیراب کردن تشنه که آن جناب را سقا و ابوالقریه گفتند و از انتشار این لقب و کنیه مکشوف می‌شود که آن حضرت (ع) برای آب دادن تشنگان مراقبت بسیار داشته و دائماً قربه و مشک آبی ... همراه داشته [و] لفظ سقا صیغه مبالغه است و افاده مبالغه و تکثیر می‌کند و معلوم می‌شود آن حضرت (ع) کثیراً ماء و بسیار در مقام سقایت و آب‌دادن بوده و منحصر، به این مرتبه اخیر نبوده.» است. (کلباسی نجفی، ۱۳۸۹: ۱۰۲) در روز عاشورا نیز به امر امام حسین (ع) مأمور سقایی برای اهل خیام می‌گردد و رجز می‌خواند. (قمی، ۱۳۴۷هـ: ۴۶۲)

حضرت (ع) در رجز خویش، با بیان «سقا» در معنای حقیقی، از لقب خویش سخن می‌گوید:

«بَلْ أَضْرِبُ الْهَامَ وَ أَقْرِى الْمَفْرَقَا      اِنِّى اَنَا الْعَبَّاسُ اُدْعَى بِالسَّقَا»  
(فؤادیان، ۱۳۸۹: ۱۸۳)

معنی: چنان بر فرق سرتان شمشیر می‌کوبم که از وسط شکافته شود، همانا من عباسم و سقا خوانده‌ام شوم.» (همان: ۱۸۴)

برخی منابع، در معنای حقیقی، از مأموریت حضرت (ع) سخن گفته‌اند: «إِنِّي أَنَا الْعَبَّاسُ أَعْدُو بِالسَّقَا». معنی: هان این منم که به سقایت آمده‌ام. (شجاعی، ۱۳۸۷: ۸۴)

رجز دیگر حضرت عباس (ع) آینه‌ای است که حضرت (ع) احوالات خود را در آن منعکس می‌کند. در نقل این واقعه چنین آمده‌است: «و از هر طرف که حمله می‌کرد، لشکر را متفرق می‌ساخت تا آن که به روایتی، هشتاد تن را به خاک هلاک افکند؛ پس، وارد شریعه شد و خود را به آب فرات رسانید؛ چون از زحمت گیر و دار و شدت عطش، جگرش تفته بود، خواست آبی به لب خشک تشنه خود رساند؛ دست فرابرد و کفی آب برداشت، تشنگی سیدالشهدا (ع) و اهل بیت (ع) او را یاد آورد. آب را بریخت.» (قمی، ۱۳۴۷ هـ ش: ۴۶۳)

شهید مطهری در این باره می‌گوید: «آن جا کسی ندانست که چرا ابوالفضل (ع) آب نیاشامید؛ اما، وقتی بیرون آمد یک رجزی خواند که در این رجز مخاطب، خودش بود نه دیگران، از این رجز فهمیدند که چرا آب نیاشامید، در رجزش دارد خودش را خطاب می‌کند.» (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۸۸)

حضرت (ع) نوشیدن آب را با وجود عطش امام حسین (ع) و اهلش، شایسته نمی‌بیند:

«يَا نَفْسُ! مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ هُوَنِي قَبْعَدَهُ لَا كُنْتَ أَنْ تَكُونِي  
هَذَا حُسَيْنٌ شَارِبٌ الْمُنُونِ وَ تَشْرِبِينَ بَارِدَ الْمَعِينِ  
هَيْهَاتَ مَا هَذَا فَعَالَ دِينِي وَ لَافِعَالُ صَادِقِ الْيَقِينِ»  
(ابومخنف، ۱۴۰۴ هـ: ۹۱)

معنی: «ای نفس! (زندگی) پس از حسین (برای تو) بی ارزش است! مبادا بعد از او زنده بمانی.

- حسین (ع) است که مرگ را جرعه جرعه می‌نوشد و تو می‌خواهی آب گوارا بنوشی؟!  
- هرگز! این کار با دینم سازگاری ندارد و از مرد معتقدی (مثل من) سر نمی‌زند.»

(فوادیان، ۱۳۸۹: ۱۸۸)

وی در این رجز، نوشیدن آب را با وجود عطش امام (ع) و اهل خيام، خلاف وفاداری خویش می‌داند و لب تشنه به آب پشت می‌کند.

در رجز دوم، شاهد همراهی حقیقت و تصویر هستیم. زمانی که حضرت (ع) واژه «نوشیدن» را برای مرگ در مورد مولایش به کار می‌برد، تصویری از نوع استعاره بالکنایه را دنبال می‌کند؛ اما زمانی که آن را برای نوشیدن آب گوارا به کار می‌برند، حقیقت است. وجود واژه آب سرد، در این بیت، حکایت از حقیقت دارد.

## ۶-۲- حضرت امام حسین (ع)

آگاهی امام حسین (ع) از عطش و تشنگی یاران و همراهان خویش، وی را از هدف رجز غافل نمی‌کند و در سه مورد از رجزش سپاهیان را به نوشاندن آب از دستان خویش و پدران در جهان باقی بشارت می‌دهد:

« شِيعَةُ الْمُخْتَارِ قَرُّوا أَعْيُنًا      فِي غَدٍ تُسَقُّونَ مِنْ كَفِّ الْحُسَيْنِ »  
(فؤادیان، ۱۳۸۹: ۲۰۵)

معنی: « پیروان پیامبر (ص) برگزیده! چشمانتان روشن باد و خوشحال باشید که روز قیامت از دست حسین (ع) آب می‌نوشید. » (همان: ۲۰۹)

امام (ع) با به کار بردن «دست خویش» در قالب مجاز از نوع ذکر محلّ و اراده حال از نوشاندن آب، در قالب حقیقت به پیروان خویش، سخن می‌گوید.

در رجز دیگر، امام (ع) سیراب کردن دوستانش را به وسیله جام رسول خدا (ص) می‌داند:

« وَ نَحْنُ وُلاةُ الْحَوْضِ نَسْقِي وُلاةِنَا      بِكَأْسِ رَسُولِ اللَّهِ مَنْ لَيْسَ يُنْكِرُ »  
(مجلسی، ۱۴۰۳هـ ج ۴۵: ۴۹)

معنی: « ما والیان حوض کوثریم که دوستان خود را به وسیله جام رسول خدا (ص) که ناشناخته نیست، سیراب می‌نماییم. » (مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۷۲)

در این بیت امام (ع) با بهره بردن از دو نوع مجاز از مکان و نوع آب، به این شرح، سخن می‌گوید: ذکر کل و اراده جزء که مقصود وی از حوض، حوض کوثر است. «کأس» مجاز ذکر محلّ و اراده حال که آب یا هر نوشیدنی را اراده کرده است.

در این بیت امام (ع) در معنای حقیقی، از سیراب کردن پیروانش، در روز قیامت می‌گوید.

در رجز دیگر امام (ع) از نوشاندن آب از دستان امام‌علی (ع) در کنار حوض کوثر، سخن می‌گوید:

« إِذَا مَا أَتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَامِئًا إِلَى الْحَوْضِ يَسْقِيهِ بِكَفِّهِ حَيْدِرٌ »  
(فؤادیان، ۱۳۸۹: ۲۱۴)

معنی: «هرگاه در روز قیامت، تشنه‌کامی به سوی حوض آید، حیدر با دست‌هایش، او را سیراب می‌سازد.» (همان: ۲۱۵)

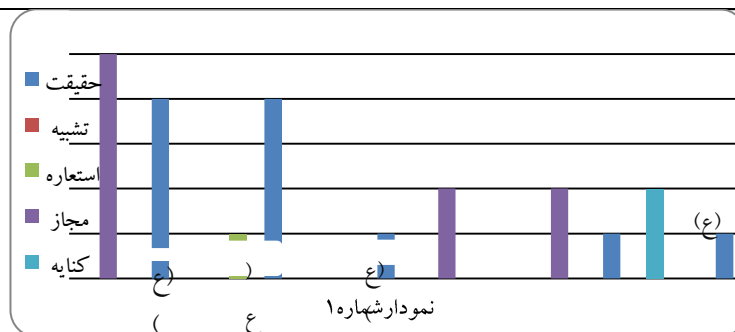
در این رجز، شاهد همراهی دو نوع مجاز، به این شرح هستیم: ذکر کل و اراده جزء، در واژه «حوض» و ذکر محل و اراده حال، در واژه «دست‌هایش». کاربرد حقیقت، در واژگان «تشنه‌کامی» و «نوشاندن» نیز در این رجز حضور دارد. در سر تا سر رجزهای امام (ع) وعده زیبایی حضور دارد؛ وعده‌ای که نوشیدن آب از دست قساوت قلبانی چون: سپاه عمر سعد را تلخ می‌سازد؛ زیرا امام (ع) به آبی جاودان در روزی سخت بشارت می‌دهد.<sup>۶</sup>

از طرف دیگر، توجه به خاندان عصمت در رجز امام (ع) حضوری ویژه می‌یابد. «ادب عاشورا و رجزهای واقعه طف، همگی حماسه‌های جاودانه‌اند و گویندگان آنان توجه خاصی به خاندان عصمت و طهارت (ع) داشته و مدافع حریم دین و عدالت و حق و آرزومند دیدار پیغمبر (ص) و خاندان او بوده‌اند.» (شهیدی صالحی، ۱۳۷۹، ج ۱۸۰: ۸)

## ۲-۲- میزان تصویرپردازی در رجز حماسه‌آفرینان

بررسی رجزهای دلاورمردان کربلا از لحاظ میزان تصویرپردازی نشان می‌دهد، بهره‌گیری آنان از تصویر (۱۲ مورد) نسبت به حقیقت (۱۱ مورد) بیشتر است. (نمودار شماره ۱)





### ۳- نتیجه‌گیری

۱. به کارگیری واژه «آب و مشتقاتش» به وسیله حماسه‌آفرینان کربلا نشان‌دهنده اهدافی والا چون امید به آینده، والابودن اهداف و آرمان‌هایشان، تقویت نیروهای خودی و تضعیف نیروی دشمن و ... بود.
۲. زیبایی رجزها، صرفاً خواندن در میدان جنگ و نشان‌دادن قدرت بدیهه‌گویی نبود؛ بلکه هدایت نیروهای دشمن نیز در آن موج می‌زند.
۳. احساس نارضایتی از نبود آب به رجزها ورود پیدا نکرده‌است و حماسه‌آفرینان کربلا از هدف رجز که میدانی برای بیان ضعف نیست، غافل نبوده‌اند.
۴. حماسه‌آفرینان کربلا، با کنار هم قرار دادن حقیقت و تصویر و بالا بودن میزان تصویر، در رجزهایشان، میدانی، برای ایجاد خیال‌پردازی شاعرانه فراهم کردند.

### یادداشت‌ها

۱. عنوان «آئینه‌داران» با الهام از عنوان کتاب آقای سنگری به نام «آئینه‌داران آفتاب» انتخاب شده‌است.
۲. حرّ، رجزش را خطاب به یاران و اصحاب خویش بیان می‌دارد و در آن به تقویت نیروی سپاه خود که جزء قواعد رجز است، پرداخته‌است؛ اما در خطبه‌خوانی خود به سرزنش نیروی دشمن می‌پردازد و نارضایتی خود را از بستن آب به روی امام (ع) و یارانش اعلام می‌دارد. او خطاب به لشکریان عمر سعد، چنین می‌گوید: «ای مردم کوفه! مادر به

عزایتان بنشیند و گریه کند. آیا این مرد شایسته را به سوی خود خواندید و چون به سوی شما آمد ... دست از یاریش برداشتید؟! ... و آب فراتی را که یهود و نصاری و مجوس می-آشامند و خوک‌های سیاه و سگان در آن می‌غلطند، بر روی او و زنان و کودکان و خاندانش بستید تا جایی که تشنگی، ایشان را به حال بیهوشی انداخته! چه بد رعایت محمد (ص) را درباره فرزندانش کردید، خدا در روز تشنگی (محشر) شما را سیراب نکند.» (شیخ مفید، بی تا، ج ۲: ۱۰۳ و ۱۰۴)؛ بنابراین، عجز و ناتوانی در رجز حرّ، راه نیافته است.

۳. نفرینی که امام (ع) خود به دنبال عطش خویش و یارانش از خداوند، برای آنان که آب را از او منع کردند، خواست. «تشنگی یاران امام حسین (ع) چنان جگرسوز بود که خود آن حضرت (ع) نیز در روز عاشورا، زبان به سخن گشود، دست‌هایش را بالا برد و از پروردگارش چنین خواست: (همان: ۱۶۱) «اللَّهُمَّ احْبِسْ عَنْهُمْ قَطْرَ السَّمَاءِ وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ سِنِينَ كَسَنِينَ يُوسِفُ» معنی: خداوندا! بارش آسمان را از آنان باز دار و سال‌هایی مانند سال‌های قحطی [در سرزمین] یوسف بر آنان قرار ده.» (سیدبن طاووس، ۱۳۸۸: ۹۸ و ۹۹)

۴. در کتاب دایرة المعارف تشیّع، این گونه ترجمه شده است: «عمویم حسین (ع) اسیری گرفتار است / تشنه کام، در میان مردمان.» (شهیدی صالحی، ۱۳۷۹، ج ۸: ۱۷۹)؛ اما با توجه به عظمت مقام حضرت قاسم (ع) بیان عجز و ناتوانی از طرف وی در میدان نبرد و رجز بعید به نظر می‌رسد؛ بنابراین، ترجمه بیان شده، صحیح‌تر به نظر رسید و مورد استفاده قرار گرفت.

۵. در مقاتل، شبیه این ماجرا، برای حضرت علی اکبر (ع) نقل شده است.

۶. بیان این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که امام (ع) در سخنان خویش از نبود آب احساس نارضایتی کرده‌اند. از جمله: وی در بیتی که منسوب به ایشان است، نارضایتی خود را اعلام و شیعیان را به این موضوع آگاه می‌کنند و مظلومیت خود را به گوش عالمیان می‌رسانند. «حتّی خود اباعبدالله‌الحسین (ع) بعد از تیر خوردن طفل شش ماهه‌اش در اشعار معروف و منسوب به آن حضرت (ع) چنین فرمود:

شِيعَتِي! مَهْمَا شَرِبْتُمْ مَاءَ عَذْبِ فَادُكُرُونِي      أَوْ سَمِعْتُمْ بِشَهِيدٍ أَوْ قَتِيلٍ فَأَنْدُبُونِي  
 لَيْتَكُمْ فِي يَوْمٍ عَاشُوراً جَمِيعاً تَنْظُرُونِي      كَيْفَ اسْتَسْقَى لِطِفْلِي فَأَبُوا أَنْ يُرْحَمُونِي

معنی: شیعیان من! هر وقت آب سرد، نوشیدید مرا به یاد آورید! یا کشته‌ای را شنیدید برای من بنالید.

ای کاش! روز عاشورا، بودید و همگی (مرا) می‌دیدید. با چه حالی برای بچه‌ام آب خواستم، (آنها) چگونه از سردلسوزی ابا کردند؟! (امینی گلستانی، ۱۳۸۴: ۲۱۲)

### فهرست منابع

#### الف: کتاب‌ها

#### قرآن کریم

۱. ابومخنف. (۱۴۰۴هـ). مَقْتَلُ الْحُسَيْنِ وَ مَصْرَعُ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَصْحَابِهِ فِي كَرْبَلَاءِ. الطبعة الثانية. بيروت - لبنان: مؤسسة الوفاء.
۲. امینی گلستانی، محمد. (۱۳۸۴). سرچشمه حیات. قم: سپهر آذین.
۳. حسینی دشتی، سیدمصطفی. (۱۳۸۵). معارف و معاریف (دایره‌المعارف جامع اسلامی). ج اول. چاپ اول (ویرایش چهارم). تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.
۴. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). فرهنگ متوسط دهخدا. ج ۱. سیدجعفر شهیدی (زیرنظر). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ: دانشگاه تهران مؤسسه لغت نامه دهخدا.
۵. رامپوری، غیاث الدین. (۱۳۶۳). فرهنگ غیاث اللغات. منصور ثروت (به کوشش). تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی.
۶. رحمدل، غلام‌رضا. (۱۳۷۵). رجزهای یورشی در کلام حماسه آفرینان کربلا. انتشارات دانشگاه گیلان.
۷. سنگری، محمدرضا. (۱۳۹۱). آینه‌داران آفتاب. ج ۲. چاپ پنجم. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۸. سیدبن طاووس. (۱۳۸۸). لهوف علی الطفوف. محمدرضا مجیری (مترجم). چاپ دوم. قم: بقیه‌الله (عج).

۹. شجاعی، سیدمهدی. (۱۳۸۷). **مردان و رجزهایشان**. چاپ پنجم. تهران: کتاب‌نیستان.
۱۰. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۹). **فرهنگ تلمیحات**. چاپ دوم. تهران: انتشارات فردوس.
۱۱. شیخ مفید. (بی‌تا). **الإرشاد فی معرفة حُج الله علی العباد**. ج ۲. سید هاشم رسولاتی محلاتی (مترجم). انتشارات علمیه اسلامیة.
۱۲. طیبیان، سیدحمید. (۱۳۸۸). **برابره‌های علوم بلاغت در فارسی و عربی** (بر اساس تلخیص المفتاح و مختصر المعانی). تهران: امیرکبیر.
۱۳. طبری، محمدبن جریر. (۱۳۵۲). **تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک**. ابوالقاسم پاینده (مترجم). ج ۷. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۱۴. فزادیان، محمدحسین؛ حسلویی، فاطمه. (۱۳۸۹). **شرح و تحلیل رجزهای حماسه-آفرینان کربلا در روز عاشورا**. چاپ دوم. تهران: آژنگ.
۱۵. قمی، عباس. (۱۳۴۷). **منتهی الآمال**. ج ۱. تهران: کتابفروشی و چاپخانه محمدحسن علمی.
۱۶. کلباسی نجفی، محمدابراهیم. (۱۳۸۹). **خصائص العباسیة، محمد اسکندری** (تحقیق و ترجمه متن عربی). چاپ ششم. تهران: صیام.
۱۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳/هـ-۱۹۸۳م). **بحار الأنوار**. الجزء الخامس و الأربعون. الطبعة الثالثة المصححة. لبنان - بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۸. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۷). **بحار الأنوار** (ترجمه ج دهم). ج سوم (از دوره ۳ جلدی). محمدجواد نجفی (مترجم). چاپ چهارم. تهران: اسلامیة.
۱۹. محدثی، جواد. (۱۳۹۱). **فرهنگ عاشورا**. چاپ هفدهم. قم: معروف.
۲۰. محمدی‌ری شهری، محمد. (۱۳۹۰). **دانشنامه امام حسین (ع)**. ج ۶. عبدالهادی مسعودی (مترجم). چاپ پنجم. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
۲۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). **حماسه حسینی**. ج ۱. چاپ هفتم. تهران: انتشارات صدرا.
۲۲. موسوی مقرر، عبدالرزاق. (۱۳۸۱). **مقتل مقرر یا روز واقعه**. عزیزاللهی کرمانی (مترجم). عقیقی بخشایشی (تصحیح). قم: نوید اسلام.

### ب. مقاله‌ها

۱. بوترابی، خدیجه. (۱۳۸۱). ساقی کوثر. **دایرةالمعارف تشیع**. ج ۹. زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، بهاء‌الدین خرمشاهی، کامران فانی. تهران: شهیدسعید محبی.
۲. شهیدی صالحی، عبدالحسین. (۱۳۷۹). **رجز**. دائرةالمعارف تشیع. ج ۸. زیر نظر احمد-صدر حاج سیدجوادی؛ بهاء‌الدین خرمشاهی؛ کامران فانی. قم: شهیدسعید محبی.
۳. قبادیان. **کهن‌الگوی آب در عاشورا**. ارائه شده در چهارمین کنگره ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. صص ۶ و ۸ و ۱۰ و ۱۱.

### ج. سایت‌ها

کتابخانه دیجیتال نور

[www.noorlib.ir](http://www.noorlib.ir)

